



درباره‌ی دولت از نسخه‌ی ویرایش‌شده‌ی سه دوره درس‌گفتاری تشکیل شده است که پی‌یر بوردیو بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ در کلژ دو فرانس و طی دوره‌ی تصدی کرسی پژوهشی جامعه‌شناسی در آن‌جا (۱۹۸۲-۲۰۰۱) برگزار کرد. درس‌گفتارها با مضمون تکراری دشواری‌های تعمق و مطالعه‌ی دولت آغاز می‌شود و بعد از آن، اهمیت اثر دولت را شرح می‌دهد و با به‌دست‌دادن روایت مفصل تکوین اجتماعی دولت پادشاهی و سپس بوروکراتیک، از قرن دوازدهم به این سو، خاتمه می‌یابد. این موضوعات نشان می‌دهد که بوردیو قصد نداشت که نظریه‌ای عمومی در مورد دولت به‌صورت عام و در مورد پیدایش دولت در هر جا به‌دست بدهد، همچنین متعهد به بررسی تطبیقی - تاریخی از دولت‌ها و امپراتوری‌ها یا روایتی جامع از دولت‌های خاص نبود. به‌جای آن، قصد طرح و شرح یک برنامه‌ی پژوهشی را داشت که مبتنی بر مفاهیم کلیدی خود وی و منطق عمل‌ها باشد که می‌تواند به کاوش در تکوین دولت‌های اروپایی مدرن و برخی خصایص و تناقض‌های متمایز روال کار آن‌ها بپردازد. تحلیل موجود در درباره‌ی دولت عمدتاً از تحلیل ثانویه‌ی گزیده‌ی مطالعات انگلستان و فرانسه و داده‌های تکمیلی استخراج شده از ژاپن امپراتوری و چین معاصر کمک می‌گیرد و از این گذشته، این موارد را با مطالعات قدیمی‌تر یا موازی‌ای تکمیل می‌کند که بوردیو و همکارانش در مورد نقش دولت در مقام «بانک مرکزی سرمایه‌ی نمادین» در سازماندهی به دیگر میدان‌های اجتماعی، مثل مسکن، آموزش، ازدواج، افکار عمومی، قانون و مشاغل هدایت کرده‌اند.

کلژ دو فرانس

برای به دست دادن تصویری از این درس گفتارها، شرحی از جایی که درس گفتارها در آن برگزار شده‌اند، ارزشمند است. کلژ دو فرانس موسسه‌ای آموزش عالی عمومی منحصربه‌فردی است که در ۱۵۳۰ با حکمی دوگانه از سوی پادشاه تأسیس شد: محلی برای گردهم آمدن پژوهش‌های بنیادی (بدواً در رشته‌های خارج از برنامه‌ی درسی مستقر در سوربن و بعد در حوزه‌های در حال شکل‌گیری یا فرارشته‌ای) و آموختن «دانش در حال شکل‌گیری در هر حوزه‌ای از ادبیات، علم و هنرها».[۱] این تعهد دوم، شامل اساتیدی می‌شود که درس گفتارهای عمومی را بر اساس نوبت برگزار کنند. این درس گفتارها، بخشی از هیچ برنامه‌ی مطالعاتی رسمی نبودند، در آن‌جا هیچ امتحانی وجود نداشت و برای شرکت مستمع‌آزاد، هیچ مدرک و تأییدیه‌ای در کار نبود. برای بسیاری از سخنرانان، مثلاً دانشمندان متبحر واجد علایق محدود و تخصصی، مستمعان محدود به حلقه‌ی کوچکی از همکاران و دانشجویان بودند. برای بقیه‌ی سخنرانان که تاریخچه‌ی روشنفکری عمومی داشتند (فوکو را تصور کنید) یا جایگاه تثبیت‌شده‌ای در سیستم وسیع‌تر دانشگاهی داشتند (بوردیو را تا دهه‌ی ۱۹۹۰ را تصور کنید که پس از آن بیشتر نیم‌رخ فعال سیاسی عمومی را اختیار کرد) طبیعی بود که مستمعان زیادتر، اما کاملاً ناهمگون باشند.[۲]

سه دوره درس گفتاری که در این کتاب منتشر شده است، جنبه‌ی دوم مأموریت را روشن می‌کند: آن‌ها از بوردیوی مشغول به کار پرده برداشتند، آن‌چنان که در مورد مسیرش به سمت نظریه‌ای از دولت سخنرانی کند که با رویکرد متمایزش نسبت به تکوین میدان‌های اجتماعی، منطق عمل و مفصل‌بندی گونه‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی طرح‌ریزی شده است. چهار ویراستار [کتاب] زمان و کوشش بسیاری را مصروف عرضه‌ی متنی کرده‌اند که مبتنی بر ضبط‌ها، دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌های مستمعان، حاشیه‌های آثار کتابخانه‌ی پژوهشی بوردیو و خاطرات شخصی است. آن‌ها حاصل کار را به‌عنوان «شبکه‌ای از متون مکتوب، تفاسیر شفاهی و تأملات کم‌وبیش فی‌البداهه بر رویکرد خودش و در شرایطی که وادار به ارائه‌ی این رویکرد می‌شد (xi)» توصیف می‌کنند. و این به‌خوبی حس درس گفتارهایی که قصد آموختن «دانش در حال تولید» را دارند، بیان می‌کند. چرا که این درس گفتارها، دودلی‌ها، خارج‌شدن‌های از موضوع، تکرارها، تغییرها، وعده‌های برآورده نشده، بینش‌های جدید و نوسانات اضافی ویژه‌ی این گونه را نشان می‌دهد.

واضح است که بوردیو این درس گفتارها را با اهدافی از قبل تعیین شده به‌کار برد و آن اهداف، مثل دوره‌هایی که پیش‌تر فوکو در دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ در کلژ دو فرانس برگزار کرد که آن‌ها نیز پس از مرگ به چاپ رسیدند (به‌ویژه در مورد دولت و حکومت) [۳]، در صورت اصلی یا متداول‌شان برای چاپ شدن نبودند. همان‌طور که بوردیو چندین جا به آن اشاره می‌کند، دیگر دشواری بسیاری از همکارانش، سرشت عمومی درس گفتارهاست که برای مستمعانی ناهمگون و متغیر، با درجات متفاوتی از بی‌اطلاعی، معرفت و «نیمه‌فرزانگی» ایراد می‌شود. وانگهی، وظایف یک استاد پژوهشی در کلژ دو فرانس دال بر این است که تا یک دوره درس گفتار تمام می‌شود، زمان شروع فراهم کردن مقدمات بعدی فرا می‌رسد. از این رو، به غیر از این که درس گفتار، دست‌آورد فرعی دیگر کارهای موازی و در حال انجام است، زمان کمی هم برای

اصلاح و چاپ یک دوره درس گفتار وجود دارد. این امر سرشت پس از مرگ چاپ شدن درس گفتارهای بوردیو درباره‌ی دولت و مجموعه درس گفتارهای موثر فوکو در کلژ دو فرانس را تبیین می‌کند.

به گفته‌ی بوردیو، جنبه‌ی دیگر این ژانر، این است که یک درس گفتار، به سخنران این اجازه را می‌دهد که ایده‌هایش را امتحان کند، واکنش‌های مستمعان را قضاوت کند، در پرتو این واکنش‌ها، آن‌ها را طول و تفصیل دهد یا به سرعت از آن‌ها رد شود، یک نکته را به شیوه‌های متفاوت ارائه کند، برای اثربخشی، درباره‌ی استدلال‌ها مبالغه کند، حرف‌های نظری و نامعمولی بزند که برای کسانی که فاقد توانایی خواندن آکادمیک هستند، قابل یادداشت کردن نباشد و مواردی از این دست. از این نظر، ما بینش‌هایی در زمینه‌ی جانبداری‌های او نسبت به دیگر رویکردها (در این زمینه، به‌ویژه مارکسیسم) و نیز، سوگیری‌های نظری‌اش (از نظر من، به‌ویژه نسبت به دیدگاه دورکیمی از ضرورت نظم اخلاقی در جوامع مدرن) به دست می‌آوریم. به نحو گسترده‌تری، این درس گفتارها به ما بوردیوی مشغول کار در آزمایشگاهش را نشان می‌دهد، هنگامی که به‌گونه‌ای غیرمستقیم منطق پژوهشش را در اختیار همگان می‌گذارد (Forschungsweise) یا به جای این که به‌طور مستقیم، یک محصول علمی به فرجام رسیده را به‌شیوه‌ای سیستماتیک ارائه کند (Darstellungsweise) پیشنهادات مشخصی در خصوص نحوه‌ی به‌کارگیری منطق عمل‌هایش در میدان‌های اجتماعی گوناگون می‌دهد.^[۴]

درس گفتار افتتاحیه‌ی بوردیو در کلژ دو فرانس در ۱۹۸۲ به مبحث جامعه‌شناسی و علم اختصاص داشت. پنج دوره درس گفتار اول بوردیو، مضامین عام جامعه‌شناسانه را پوشش داد و سپس دو دوره را تحت عنوان 'A propos de l'état' (درباره‌ی دولت) ارائه کرد. اولین [درس گفتار] به ساخت [۵] میدان قضایی [۶] پرداخت، دست آخر سراغ دولت به‌مثابه‌ی یک میدان بوروکراتیک رفت و در مورد تنش بین نقش بوروکراتیک دولت به‌عنوان نماینده‌ی نفع عمومی، و جایگاه و اعمال بوروکراسی به‌عنوان طبقه یا صنف اجتماعی نفع‌طلب، که هگل و مارکس درباره‌ی آن بحث کرده بودند، اظهار عقیده کرد.^[۷] دوره درس گفتار بعدی به کاوش در مضمون بی‌طرفی پرداخت که آن را به‌عنوان خصیصه‌ی ذاتی توانایی دولت برای ایفای نقش نماینده‌ی نفع جمعی در نظر گرفت.^[۸] این دو دوره، پیش‌درآمد بلافصل آن‌هایی هستند که در کتاب موجود به چاپ رسیده‌اند. این دومی به نوبت با دوره‌هایی در مورد به‌ترتیب: بنیان‌های اجتماعی اقتصاد؛ کالاهای نمادین؛ میدان تولید؛ اشکال سلطه و تأملات عام درباره‌ی میدان‌های اجتماعی، دنبال شد.

اگر خواننده به آوازه، ثمره‌ی عمر یا سبک سخنرانی کردن پی‌یر بوردیو در زمینه‌ای کلژ دو فرانسی کم‌تر علاقمند است، و بیش‌تر علاقمند است به آنچه به هر حال، وی به ادبیات گسترده درباره‌ی دولت و قدرت دولت می‌افزاید، باید برای این ۲۳ درس گفتار، پشتکار داشته باشد. خواننده به‌ویژه نیازمند این است که با ترمینولوژی خود بوردیو - یک «سرمایه‌ی فکری از سرِ صبر به‌خوبی شکل گرفته» - سروکار داشته باشد تا هر بازگشت به سرمایه‌گذاری آن‌ها را در متن، دریابد. چرا که از نیمه‌ی راه دوره درس گفتار دوم است که بوردیو به شیوه‌ای سیستماتیک، با نظر خودش، شروع به درگیر شدن با دولت می‌کند. تا پیش از آن، مثال‌های مختصر، تأملات روش‌شناسانه در مورد چالش‌های شکل‌دادن به تئوری‌ای در باب دولت، روایت‌های آشنای رویکرد ترجیحی بوردیو که اغلب مبتنی است بر کارهای اولیه‌ای که مستقیماً ربطی با دولت ندارند (مثلاً) خشونت نمادین در بین کابیلی‌ها، ازدواج در میان کشاورزان)، خلاصه‌های ۲ تا ۳ صفحه‌ای مختصر از متونی در باب تکوین

اجتماعی امپراتوری‌ها یا شکل دولت، که گفته می‌شود ناکافی است و تأملات مربوط یا بدون هدف، درباره‌ی محدودیت‌های جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ تطبیقی، جامعه‌شناسی سیاسی، کارکردگرایی ساختاری، تحلیل طبقاتی و نظریه‌ی سیاسی یا حقوقی به ما انتقال داده می‌شود. مضاف بر این، نتایج اساسی تحلیل‌هایی که در درس‌گفتارهای بعدی ارائه شدند، در جای دیگری و به صورت کامل‌تر و متمرکزتری در مجلات و فصول کتاب‌ها، قبلاً به چاپ رسیده‌اند. کوتاه سخن، خواننده برای خواندن این درس‌گفتارها، باید در مورد استدلال کردن‌ها بازنمایش [۹] باشد: این درس‌گفتارها در درجه‌ی اول، بوردیوی مشغول به کار را به ما نشان می‌دهد.

تا دهه‌ی ۱۹۸۰، مفهوم دولت (و نه واژه‌اش) در کار بوردیو نقش کمرنگی داشت، تا حدی به این خاطر که او آن را یک مفهوم کلی انتزاعی قلمداد می‌کرد که عامل اجتماعی و عمل‌ها را از هم جدا می‌کند و بنابراین نیاز دارد که اگر کماکان ضروری در نظر گرفته می‌شود، پیش از آن که قابل استفاده شود، از نقطه‌نظر منطق عمل‌ها واسازی شود. [۱۰] بنابراین، با وجود این که او از میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰، پژوهش‌هایی در مورد جنبه‌هایی از دولت انجام داد (ایدئولوژی مسلط، نمایندگی سیاسی، آموزش، استراتژی‌های بازتولید و اشکال سلطه)، دولت در زبان عادی او، عمدتاً در معنای دولت - ملت یا دولت - رفاه ظاهر می‌شد. او در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ نیز «میدان قدرت» و آنچه را که می‌توان آن را اثر دولت خواند، مطالعه کرده بود. تحقیق روی پیدایش میدان قضایی، عمل میدان اداری آن گونه که در سیاست مسکن فرانسه آشکار شد، تکوین و ساختار میدان بوروکراتیک و سرشت سرمایه‌ی نمادینی که مقامات بلندپایه و دیگر پاره‌طبقه‌های طبقه‌ی حاکم مهیا کردند، در زمره‌ی این مطالعات قرار می‌گیرد. در هر مورد، بوردیو، با یا بدون همکاران، قصد داشت که «فرایند تجمع انواع مختلف سرمایه که منجر به تشکیل میدان بوروکراتیکی می‌شود که قادر به کنترل دیگر میدان‌هاست» را نشان دهد [۱۱]. در انسان دانشگاهی (۱۹۸۴)، دولت به عنوان دارنده‌ی انحصار خشونت نمادین توصیف شده است و در اشرافیت دولتی (۱۹۸۹)، در مقام سامان‌دهنده‌ی مدارس بزرگ [۱۲] به عنوان مسیرهای مناصب بلندپایه، از جمله در خود دولت، ظاهر شد. [۱۳] بنابراین رفتن سراغ تحلیل تکوین اجتماعی دولت از نظر انباشت اولیه‌ی سرمایه‌ی نمادین، که دولت را قادر می‌سازد بدل به عامل اصلی و ابزار عمده‌ی ساخت اجتماعی واقعیت شود، قدمی منطقی است. بنابراین، همان گونه که ویراستاران درباره‌ی دولت در پی‌گفتارشان بر کتاب بیان کرده‌اند، دولت، بدل می‌شود به «میدانی که چنان جایگاهی را در ساختار میدان‌ها اشغال می‌کند که در مشروط سازی کار میدان‌ها دخالت دارد» (۳۸۰). شاید به این خاطر که جغد مینروا (آتن) در تاریکی پرواز می‌کند [۱۴]، بوردیو درست زمانی متوجه دولت می‌شود که دولت از جانب نیروهای نئولیبرال مورد حمله قرار گرفته است و در حال عقب‌نشینی به سلب [مسئولیت] دولت و برچیده شدن امر عمومی [۱۵] است و بی‌اعتمادی فزاینده‌ای به اعلام دلبستگی مقامات بلندپایه نسبت به خیر عمومی [۱۶] در مقابل علاقه‌ی آن‌ها به اختصاص کالاهای عمومی [۱۷] برای مقتضیات شخصی، وجود دارد.

بنابراین، در این درس‌گفتارها، هم‌ساختی مادی و نمادین آپاراتوس اداری یا بوروکراتیک، در مقام میدانی خاص با منطقی خاص، مد نظر است. این منطق همان منافع دولت-ملت [۱۸] است که به موجب آن مقامات بلندپایه انحصار خشونت نمادین مشروع را به دست می‌آورند، یعنی حق سخن گفتن از سوی دولت (منافع جمعی یا خیر عمومی) که اتفاق نظر اجتماعی و افکار عمومی آگاه، به آن مشروعیت داده‌اند (۳۱-۳۳ و ۸۴-۸۵) [۱۹]. این نکته تعیین‌کننده است زیرا دولت را

به‌عنوان عاملی جمعی با انحصار تعریف امر جهان‌شمول تعیین می‌کند (اراده‌ی عام و نه اراده‌ی همه). [۲۰] بنابراین، مشخصه‌ی آپاراتوس دولت، جهت‌گیری به سمت ساختن خیر عمومی و دسترسی به کالاهای عمومی است. پیش از این، ادبیات گسترده‌ای در خصوص شکل‌گیری منافع دولت، بوروکراسی، دولت مالیاتی، اشکال مشروعیت و مانند آن وجود داشته است. آن چیزی که رویکرد بوردیو به شکل گرفتن دولت را متمایز می‌کند، به کار بردن ساختارگرایی‌ای تکوینی (۹۳ و ۱۱۵) است تا آن را در چارچوب تکوین اجتماعی میدانی خاص، با ساختاری خاص، با قواعد بازی خاص، با سوژه‌ها (یا عامل‌ها)یی که به‌نحوی خاص شکل گرفته‌اند، با تضادها و تنش‌های خاص و با مجال برای استراتژی‌های رقابت، نوآوری‌های استراتژیک، دگرگونی اجتماعی و شاید شکست یا زوال احتمالی، بررسی کند.

سه دوره درس گفتار

رویکرد دوره درس گفتار اول نسبت به دوتای دیگر بیشتر فرا - نظریه‌ای است. این درس گفتار این مسأله را طرح می‌کند که وقتی نمی‌توان از دولت به‌عنوان یک هستی مادی یا اجتماعی صحبت کرد، چگونه می‌توان به آن نزدیک شد و آن را تعریف کرد. من زمان بیشتری را صرف شرح این بخش می‌کنم زیرا کل رویکرد را طرح‌ریزی می‌کند. بوردیو با مجموعه تأملاتی بر موضوعی آغاز می‌کند که جامعه‌شناس تاریخی بریتانیایی، فیلیپ آبرامز [۲۱] آن را «دشواری‌های مطالعه‌ی دولت» می‌خواند. [۲۲] اگرچه بوردیو در میان فهرست منابعش، استنادی به این مقاله‌ی مهم در درس گفتارهایش نمی‌کند. خود بوردیو از چالشی که سرشت تقریباً غیرقابل تصور دولت ایجاد می‌کند، سخن به میان می‌آورد. آبرامز و بوردیو در مورد دشواری‌های تفکر درباره‌ی [دولت] تقریباً به‌گونه‌ای غیرقابل تصور، هم‌عقیده‌اند - که ناشی از بدیهی پنداشتن دولت و بنابراین، ناشی از وسوسه‌ی اغواکننده اندیشیدن به دولت برحسب مقوله‌های تثبیت‌شده به‌وسیله دولت و نحوه‌ی کار دولت است. در نتیجه، آن‌ها به جای این‌که دولت را به قول لنین «مجموعه‌های ویژه‌ای از مردان مسلح، زندان‌ها و مانند آن» ببینند، در پرداختن به گفتمان رسمی، قدرت نمادین عام دولت و مقوله‌ها و طبقه‌بندی‌هایی که دولت آن‌ها را بنیاد نهاده است، با هم شریک می‌شوند. [۲۳]

دشواری عمده برای آبرامز، بازنمایی غلط مشترک موثر از دولت در مقام نماینده‌ی بی‌طرف نفع عمومی است که باعث آشفته‌کردن و پیچاندن مطلب می‌شود. مفهوم رازآلود دولت در مقام هستی‌ای یکپارچه، عدم یک‌پارچگی گریزناپذیر سیستم دولت عملاً موجود را می‌پوشاند؛ سیستمی که نوعی قدرت سیاسی نهادینه‌شده‌ی شکننده و تکه‌پاره است. در نتیجه، چالش عالم اجتماعی، ابهام‌زدایی از دولت و پرده برگرفتن ریشه‌ای از آن است تا نشان دهد که دولت به‌عنوان هستی‌ای محکم و یکپارچه، پیش از این همیشه وجود نداشته است. [۲۴] برای بوردیو هم، آنچه دولت را بررسی‌ناپذیر می‌سازد، انحصار دولت در خشونت نمادین و از این رو، طُرُق اندیشیدن ما درباره‌ی دولت است. در مقایسه با آبرامز، به‌نظر می‌رسد که بوردیو بر اسطوره‌ی هگلی دولت در مقام مدافع نفع عمومی، صحنه می‌گذارد، یا حداقل، بیشتر به این امر علاقمند است که چه زمان و چگونه، اسطوره‌ی بی‌طرفی، بدل به خصوصیت عملیاتی مؤثر میدان‌های بوروکراتیک و سیاسی می‌شود. هم برای آبرامز و هم برای بوردیو، این امر فضا را برای این باز می‌کند که کوشش‌های کادر دولت و دیگران برای تحمیل وحدتی موقتی،

زودگذر و ناپایدار بر سیستم دولت واقعاً موجود مطالعه شود و نوعی انسجام نسبی میان سیاست‌گذاری‌های مختلف درون میدان‌های کنش پدید آید.

در دو دوره درس گفتار منتشر نشده قبلی در باب دولت، به‌طور خلاصه، بورديو مدعی می‌شود که: «اندیشه‌ی ما، درست همان ساختارهای آگاهی‌ای که ما با آن‌ها، جهان اجتماعی‌مان و این ابژه‌ی خاص، یعنی دولت را می‌سازیم، به احتمال زیاد خودشان دولت هستند» (۳؛ همچنین بنگرید به ۱۰۵). او ادامه می‌دهد: «اگر تا این حد آسان است که چیزهای آسان در مورد این ابژه بگوییم، دقیقاً به این خاطر است که ما تا حد آشکاری، آکنده از همان چیزی هستیم که مجبور به مطالعه‌ی آنیم» (۳). او سپس اظهار می‌کند که: «آن بخشی از میدان قدرت، که می‌توان آن را «میدان اداری» یا «میدان کار عمومی» [۲۵] نامید، و ما به‌ویژه زمانی که از «دولت» بدون وضوح بیش‌تری، سخن به میان می‌آوریم، آن را در ذهن داریم، با تملک انحصار مشروع خشونت فیزیکی و نمادین مشخص می‌شود» (۳-۴). بورديو، در مقایسه با سنت تئوری عمومی دولت که در میان نظریه‌پردازان، با ماکس وبر مرتبط است و معطوف به انحصار مشروع اعمال زور سازمان‌یافته است، خشونت نمادین را پررنگ می‌کند. در واقع، او استدلال می‌کند که این امر مبنای قابلیت دولت برای وارد کردن پلیس و ارتش به کارزار است، درست هنگامی که به خشونت فیزیکی متوسل می‌شود.

این امر که در دوره درس گفتار دوم به آن اشاره شده است، چالش فهم چرایی اطاعت مردم از دولت، در غیاب خشونت را برمی‌انگیزد (۱۶۲). گرامشی نیز به این پرسش می‌پردازد، البته زمانی که با جزییات فراوان و در میان میدان‌های اجتماعی بسیاری، به کاوش درباره‌ی دولت، در معنای کلی آن به عنوان «هژمونی در پناه زور» می‌پردازد. [۲۶] جنبه‌ی دیگر دولت که بعدتر در درس گفتارهای بورديو معرفی می‌شود، این است که دولت به‌عنوان انحصارگر خشونت فیزیکی و نمادین، پیوند دارد با دولت، از حیث جمعیتی که در درون مرزهای دولت ملی، حاوی آن است (۳۱-۲). از این گذشته، او ادعا می‌کند که متصل کردن این دو به هم، قابلیت خشونت نمادین دولت است که در جمعیت یا جامعه‌ای که بر آن حکم می‌راند، همانندی منطقی (دیدگاه‌های مشترک) و همانندی اخلاقی بیافریند. کوتاه سخن، انحصار مشروع خشونت نمادین، بنیان نظم فیزیکی و اخلاقی است. عجالتاً با کنار گذاشتن برخی مشابهت‌ها، هم با کار فوکو در باب رژیم‌های حقیقت و روابط قدرت - دانش و ارتباط نزدیک میان گفتمان و سیستم [۲۷] (آپاراتوس) و هم با ایده‌های گرامشی درباره‌ی هژمونی به مثابه‌ی رهبری سیاسی، فکری و اخلاقی، به‌نظر می‌رسد که استدلال بورديو، متکی به برخی از مفاهیم علیت ساختاری و قیاسی نشانه‌شناختی است. به‌نظر، متضمن این پرسش می‌شود که دنیا باید چگونه باشد تا «اثرات معینی از دولت» پدید آیند؟ چگونه دولت دست آخر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، نهادها و اعمال ما را می‌سازد؟ این مسئله ما را به جستجوی اصلی ناپیدا در مقام منبع نظم اجتماعی می‌کشاند. پاسخ او این است که دولت، به شیوه‌ای بی‌طرفانه، مثل یک خدای پنهان [۲۸] (خدای پنهان در تأملات پاسکالی) عمل می‌کند تا شرایط را برای نظم اجتماعی به وجود آورد (۴-۵). در این جا (یا بعداً) واضح نیست که بورديو چه روایت کمابیش هگلی را تأیید کند، چه نکند (در ایده‌های بورديو نشانی از نفوذ اسطوره‌ی دولت در مقام تجسد نفع همگانی وجود دارد)، نفع همگانی را به‌عنوان اساس مشروعیت‌بخش مداخله‌ی دولت وصف می‌کند، یا آن را به‌مثابه‌ی یک مبنای وضوح برای فهم قواعد بازی‌ای به کار می‌گیرد که کشمکش‌های میدان سیاسی تحت سلطه‌ی دولت مدرن را هدایت می‌کند. به‌نظر می‌رسد آن‌چه در این تحلیل مفقود است، این است که هر روایتی از نفع همگانی یا عمومی، ضرورتاً

گزینشی است، چیزی مثل اراده‌ی عمومی انعکاس ساده‌ی مکانیکی از اراده‌ی همه نیست.[۲۹] مثالی که بورديو به دست می‌دهد، نقش نمایندگی‌ها در از خاص به عام تبدیل کردن است - کارکردی که اتوماتیک‌شدن آپاراتوس بوروکراتیک، فک‌شدگی‌اش از جامعه‌ی گسترده‌تر آن را ممکن ساخته است، تأثیری که وابسته به گفتمان رسمی، نمایشی‌کردن و مانند آن است (۳۲-۳۸). آن‌چه در این‌جا انجام شده است، - prosopopoeia عمل صحبت‌کردن از جانب شخص غایب و در نتیجه، خلق آن است، یعنی دولت در مقام تجسد خیر عمومی (۴۵-۴۹). به عبارت دیگر، مقامات بلندپایه، هنرمندانی هستند که اشکال گفتمان و تعامل را خلق کرده و تحمیل می‌کنند: ملت، دولت، مردم، امنیت دولت، رفاه عمومی و مانند آن (۴۴). اما این تأکید بر وجه کنشی گفتار[۳۰] توضیح نمی‌دهد که چگونه نفع همگانی، عمومی یا ملی، هم درون فرماسیون اجتماعی گسترده‌تر و هم درون دولت ساخته می‌شود و در این خصوص، چگونه برای برخی منافع، نسبت به بقیه، امتیاز قائل می‌شود. کوتاه سخن، آن‌چه در این طرح یا الگوی تصنعی[۳۱] مفقود است، پروبلماتیک هژمونی و سلطه است.

بدون طرح این پرسش، دور باطل واضحی در روایت بورديو از اثرات دولت در کار است. چرا که «دولت [فرض گرفته‌شده] به‌عنوان مجموعه‌ای از عاملان اجتماعی متحد و تابع حاکمیت واحد [درون قلمرو دولتی واحد] محصول مجموعه‌ای از عاملان است که اختیار اعمال حاکمیت دارند [مانند مقامات عمومی]» (۳۷) (عبارت‌های درون قلاب از باب جسوپ است. م). این امر با نقد آبرامز از مفهوم شیئی‌شده‌ی دولت در مقام هستی، عامل، کارکرد یا رابطه‌ی یکپارچه‌ی بنیادین سازگار است. به این معنا که [دولت] از بقیه‌ی جامعه جدا شده است و به‌عنوان مکانیسم ساختاردهنده‌ی اساسی اما ناپیدای حیات سیاسی عمل می‌کند[۳۲]. (برای یک خودانتقادی کمیاب و گرانبها در این خصوص، بنگرید به ۱۶۱). بر این مبنا او به دنبال بررسی دولت به‌عنوان رشته‌ی پیوند واقعی و ملموس نهادها، عاملان و عمل‌هایی است که کم‌وبیش گسترده و مرتبط با اقتصاد و دیگر روابط اجتماعی ارتباط دارند و در بهترین شرایط نسبتاً برای همیشه یکپارچه شده‌اند. آبرامز، افزون بر این، مدعی می‌شود که باوری نادرست در خصوص وجود دولت به‌عنوان ساختار ژرف حیات سیاسی، باعث پنهان شدن نقش واقعی نهادهای سیاسی بنیادین و عمل‌هایی که سلطه را محفوظ نگه می‌دارند، می‌شود.

بورديو برای فرار از این دور باطل و ایجاد یک برنامه‌ی پژوهشی عملی، به تولید اثرات دولت در زندگی روزمره می‌پردازد - برای آشنایی‌زدایی از امر عادی، مقابله با فراموشی تکوین، غیرعادی‌سازی دولت، فاش‌کردن بدیل‌های کنار گذاشته شده و فراموش شده، نشان‌دادن دل‌خواهانه‌بودن آغازها و اجتناب از تاریخچه‌های خطی (۱۱۵-۱۱۷). [۳۳] هدف این کار، افشاکردن حضور دولت در تمامی میدان‌های حیات اجتماعی است. در این‌جا او به کارهای متقدم در باب تقویم، طراحی برنامه، ساختار بازارهای مسکن، طبقه‌بندی‌های ضمنی آمارهای رسمی، سازمان‌دهی به فضا و غیره، اشاره می‌کند. فوکو پروژه‌ای مشابه داشت. در یکی از درس‌گفتارهایش در کلژ دو فرانس، اعلام کرد که:

محتمل است که بگوییم که اگر دولت آن‌چیزی است که امروز هست، درست مدیون این شیوه از حکومت‌مندی[۳۴] است که همزمان نسبت به دولت هم بیرونی و هم درونی است، زیرا تاکتیک‌های حکومت‌مندی چنین است که تعیین می‌کند که چه چیز باید یا نباید در درون قلمرو دولت بیفتد، چه چیز عمومی و چه چیز خصوصی است، چه چیز در توان دولت هست و

چه چیز نیست. بنابراین، اگر مایل باشید، باید بگویم زنده ماندن و حدود و ثغور دولت، باید بر مبنای تاکتیک‌های عمومی حکومت‌مندی فهمیده شود.[۳۵]

با وجود این، از آن جایی که بورديو به فوکو اشاره‌ای نمی‌کند (به جز این که به درستی ذکر می‌کند که رویکرد وی به تکوین اجتماعی و کار فوکو در تبارشناسی، متفاوت هستند) ما از تأملات جامعه‌شناس پیرامون روایت بدیل فیلسوف از خشونت نمادین، محروم هستیم. این امر به ویژه برای کسانی ناراحت‌کننده است که مثل خود من، تا به حال متعهد به بورديو‌یی‌ها نبوده‌اند، اما علاقمند به ارزش افزوده‌ی فکری رویکردهای متفاوت به موضوعات نظری بنیادی و تجربی هستند. بر این اساس، فوکو استدلال می‌کند که قابل‌فهم‌بودن یک پدیده‌ی اجتماعی مفروض، وابسته به کاوشی علی نیست، بلکه به مطالعه‌ی «ساخت و ترکیب اثرها» بستگی دارد. او پیشنهاد می‌کند که ما پیرسیم «چگونه اثرات روی هم‌رفته و متراکم» ترکیب شده‌اند؟ ... «چگونه اثر دولت مبتنی بر هزار فرایند متنوع است؟» [۳۶] کوتاه‌سخن، فوکو به «اثر دولت» پرداخت که توجه بورديو را نیز جلب کرد و بحث و گفتگوهای را مهیا کرد که می‌توانست هم بورديو را به چالش بکشد و هم کارش را تکمیل کند - البته فوکو مانند همکارانش، در مورد رقبایش ساکت یا بی‌اعتناست.

بورديو، به‌خصوص در دوره درس‌گفتار نخست، به‌طور عام‌تری تا حدی به شیوه‌ی فروتنی کاذب و تا حدی در مقام بیان دشواری‌های اصیل، دست به تأملات زیادی پیرامون ناتوانی هر فرد (حتی خود بورديو) برای مسلط شدن بر ادبیات راجع به دولت، حتی در زمینه‌ای اروپایی، چه رسد به جهانی، و مهیا کردن منظری فراگیر درباره‌ی دولت می‌زند. دولت آن‌چنان پیچیده است که عالم اجتماعی را محکوم به فروتنی می‌کند، به‌خصوص اگر او تلاش می‌کند که تئوری‌های دولت و یافته‌های تجربی در مورد دولت‌های بسیار را، جمع بزند. با وجود این، کوشش برای فهم این پروژه‌ی به فهم نیامدنی که سزاوار پدید آمدن است، ارزش دارد (۱۰۵). شاید این امر بورديو را به عمل به رژیم خودمعیّن‌شده‌ی «بهداشت فکری» راهنمایی کرد که اگوست کنت، پدر بنیان‌گذار فرانسوی جامعه‌شناسی، خود را به آن عادت داده بود. به این معنا که به خودش اجازه‌ی آلوده شدن به ایده‌های پستی که توسط دیگر نویسندگان و دیگر سخنرانی‌ها بیان شده بود را نمی‌داد؛ [۳۷] زیرا درس‌گفتارها، که سبک شفاهی و گاهی اوقات دو پهلوی‌شان را بازتاب می‌دهند، مملو است از مخالفت‌های از سرب‌اعتنایی، ناشی از بی‌اطلاعی و اغلب تکبرآمیز با دیگر عالمان، از مارکس گرفته تا آلتوسر و گرامشی و تقریباً همه‌ی دیگر نظریه‌پردازان مارکسیست از همکارانی مثل میشل فوکو تا نظریه‌پردازان ساختاری - کارکردی مثل پارسونز. این، عملی غیررایج در کار بورديو نیست. [۳۸] به دنبال این عمل پیامد ناخواسته‌ی احتمالی وجود دارد که بورديو از ضرورت مقایسه‌ی انتقادی رویکردش با آن‌هایی که توسط این نظریه‌پردازان ابراز شده، معاف شده است - چالشی که همان‌طور که پایین‌تر نشان داده‌ام، آن را تا اندازه‌ای کمتر از آن‌چه ادعا می‌کند، اصیل ترسیم می‌کند.

دوره‌ی درس‌گفتار دوم به سمت پرسش‌های جامع‌تری درمورد اثر دولت حرکت می‌کند. بورديو متذکر می‌شود که همه‌ی ما می‌دانیم که چگونه در زندگی روزمره «دولت عمل می‌کند» زیرا پیش از این، دیدگاه‌ها و ارزش‌های ما را شکل داده و به ما توانایی به کمال رساندن فرم‌ها و مانند آن را داده است. او پیشنهاد می‌کند که بر موضوعات حاشیه‌ای که مورد بی‌اعتنایی روایت‌های جریان اصلی از دولت قرار گرفته‌اند، تمرکز صورت بگیرد: زبان، املا، گواهی‌ها، مناسک تصویب، اشکال، برنامه،

مقررات استفاده از بزرگراه‌ها، ماجراهای بودجه، بی طرف بودگی، افکار عمومی و مانند آن (۱۱۰-۱۳، ۱۲۲-۴، ۱۸۳-۴، و در جاهای مختلف دیگر). ما باید تکوین یک سیاست را مطالعه کنیم و نباید با نگرانی نسبت به خودآیینی نسبی دولت، ائتلاف وقت کنیم. پرسش‌های کلیدی عبارتند از: چگونه دولت بدل به «بانک مرکزی سرمایه‌ی نمادین» شد و چگونه، متعاقب آن، توانست «فراسرمایه‌ی» خود را در هماهنگ کردن و بازآرایی روابط بین دیگر انواع سرمایه در جامعه‌ی گسترده‌تر به کار بگیرد؟ این امر نیازمند توجه بیشتر به تجمع و تمرکز تدریجی سرمایه‌ی نمادین است تا انحصار نسبی دولت در اعمال زور سازمان‌یافته یا مالیات. انگلستان این کار را از خلال یک انقلاب فرهنگی از پیش برد (که در آن بورديو روایت فیلیپ کوریگن [۳۹] و درک سائر [۴۰] را به تحلیل‌های طبقاتی‌تر و تحلیل‌های تاریخی - نهادی پری اندرسون ترجیح می‌دهد: ۷۷-۷۹، ۸۶-۸۷، ۱۴۱-۴۹)؛ فرانسه نیز این کار را از خلال جدایی تدریجی آپاراتوس بوروکراتیک از خانواده‌ی سلطنتی انجام داد؛ و ژاپن آن را از خلال پروراندن سامورایی‌ها درون یک فرهنگ بوروکراتیک انجام دادند که بتوانند نماینده‌ی نفع عمومی باشند (۱۵۰-۶۲). این امر ما را در نیمه‌ی راه دوره درس‌گفتار دوم، به سمت این نتیجه‌گیری می‌برد که دولت، محصول انباشت تدریجی انواع مختلف سرمایه است - اقتصادی، قوای فیزیکی، نمادین، فرهنگی یا اطلاعاتی. این امر با تولد دولت پادشاهی اتفاق افتاد و از طریق استحاله‌ی آن در دولت بوروکراتیک و سپس دولت رفاه، مستحکم شد (۱۸۶).

کلید تکوین دولت بوروکراتیک مدرن، تمرکزش بر انواع مختلف سرمایه است که هیچ فردی نمی‌تواند به‌طور معمول بر آن‌ها مسلط شود، آن‌ها را هماهنگ کند و به‌عنوان یک فراسرمایه‌دار، به کار بگیرد (۱۸۶-۷). دولت قوای فیزیکی (پلیس و ارتش)، سرمایه‌ی اقتصادی (از طریق انحصارش در مالیات‌بندی در یک فضای اقتصادی خودآیین که به‌وسیله‌ی دولت پدید آمده است)، نیروی نمادین (به‌ویژه از طریق اتحاد بازار قضایی و نقش قوانین در مقام توجیه)، سرمایه‌ی اطلاعاتی (آمار، نقشه‌نگاری، تمامیت نظری و نظارت) و سرمایه‌ی فرهنگی (ساخت فرهنگ ملی، اتحاد بازار در کالاهای نمادین) را اداره می‌کند (۱۸۹، ۲۲۰-۲۵ و در جاهای مختلف دیگر). این تمرکز و تخصیص سرمایه به‌منزله‌ی «فراسرمایه»، فرامیدان جدیدی از کشمکش‌ها را خلق می‌کند که در آن دولت هم میدان نهادهای عمومی است و هم بخش گرهی تعیین‌کننده در میدان عمومی قدرت است. آنچه در این جا مهم است:

تعیین‌کنندگی موضعی است که میدان‌های متفاوت (اقتصادی، روشنفکری، هنری و مانند آن) باید به‌طور مشروع در نسبت با یکدیگر، اشغال کنند. به‌عنوان یک نتیجه، می‌توان این ایده را داد که دولت محصول ضروری یک فرایند دوگانه است: از یک طرف، تمایزبایی جوامع در میدان‌های نسبتاً خودآیین و از طرف دیگر، پیدایش فضایی که قدرت را فراسوی میدان‌ها متمرکز کند و در آن، کشمکش‌ها بین خود میدان‌ها است، این عاملان جدید تاریخ. {38}

همان‌گونه که این نقل قول القا می‌کند، دوره‌ی درس‌گفتار سوم به کاوش در تکوین این دولت، از دولت قرون وسطایی تا دولت پادشاهی و در پی آن، دولت بوروکراتیک می‌پردازد. بحث در این جا مفصل [است] و بر استراتژی‌های بازتولید سلسله‌های شاهی و طبقات متمرکز است، و تضادهای موجود در دل دولت پادشاهی را که فضای حرکت ورای آن را به‌وجود می‌آورد، شناسایی می‌کند. این تحلیل، به شدت از کار مورخان دولت فرانسوی و مورخان حقوق انگلیسی کمک می‌گیرد، هم‌چنین مقایسه‌هایی با روایت وبر از ظهور بوروکراسی و سرمایه‌داری عقلانی انجام می‌دهد. در این مسیر آنچه مهم است،

بحث مکانیسم‌هایی است که جدایی منافع خانوادگی سلطنتی و پادشاهی شخصی را از صورت یک کاست بوروکراتیک (به اصطلاح من) که جهت‌گیری‌اش به سمت خیر عمومی است، ممکن می‌سازد؛ و علاوه بر آن، پیدآمدن مجالی برای پرداختن به اینکه به هر حال در این فرایند چگونه راه برای فساد، رسوایی‌ها و سوءاستفاده‌ی مقامات عمومی در جهت سود شخصی، فراهم می‌آید. در میان بسیاری از جزییات دیگر، مثل نظرات پیرامون اشکال متفاوت ملیت، دولت در مقام دین مدنی، نقش پارلمان و بعدتر، رسانه‌های توده‌ای در نشان دادن افکار عمومی، چیزی از این مهم‌تر نیست که بوردیو وابستگی متقابل رو به رشد فرمانروا و فرمانبردار را در جوامع پیچیده تشخیص می‌دهد، چنان که حتی در حکومت‌های پادشاهی، فرمانروا به‌شیوه‌ی فزاینده‌ای تحت فرمان فرمانبردارانش است. این امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت ادغام تحت سلطه قرارگرفته‌هاست و به‌طریق اولی، باعث توانایی دولت برای ترکیب کردن سرمایه‌ی اطلاعاتی و فراسرمایه‌ی وسیع‌ترش در آنچه ویلکه [۴۱] قدرت «نظارت» می‌نامد، می‌شود. {42}

نتیجه‌گیری‌های انتقادی

همان‌گونه که در مقدمه‌ام نیز خاطرنشان کرده بودم، این کار به ژانر مشخصی تعلق دارد - درس‌گفتارهای بازسازی‌شده‌ی کلژ دو فرانس - و باید بدواً بر این مبنا داوری شوند. به معنای دقیق کلمه، ما بیش‌تر در مورد نویسنده می‌آموزیم تا این که در مورد دولت بیاموزیم که پیش از این، وی در مورد آن مطالعات موردی بسیاری در حوزه‌های مختلف منتشر کرده بود، از جمله مطالبی که از کار انجام گرفته در زمینه‌ی برنامه‌ی پژوهشی او در خصوص دولت بوروکراتیک در مقام دارنده‌ی حق انحصاری خشونت نمادین به میان آمد. به‌علاوه، ما می‌آموزیم که رویکرد عمومی بوردیو می‌تواند در مورد دولت به‌کار گرفته شود و این که سهم تعیین‌کننده‌اش، به خاص‌بودگی میدان بوروکراتیک مربوط است. این کار ارتباطی کلیدی با بسیاری از دیگر سنت‌های نظری نیز هست و این‌جا دوباره، می‌توان علاقمند به دیدن بحث‌هایی سازنده از نظریه‌های بدیل بود تا هر ارزش افزوده‌ی فکری از یک رویکرد بوردیویی، عیان شود. اجازه دهید که من این را در نسبت با بدیل مرجح توضیح دهم: نظرگاه استراتژیک - عقلانی نشأت گرفته از پولانزاس از طریق گرامشی و مارکس که بیان می‌دارد دولت، رابطه‌ای اجتماعی است. {۴۳}

بوردیو مارکس، گرامشی و آلتوسر را کنار می‌گذارد (و به زور به پولانزاس اشاره می‌کند)، عمدتاً بر این اساس که کار آن‌ها کارکردگرایانه است و این که آن‌ها خودآیینی نسبی را دست‌کم می‌گیرند. بدیل او این است که دولت، مثل همه‌ی میدان‌ها نتیجه‌ی نهادی‌شده‌ی لحظه‌ای مفروض از کشمکش‌ها و رویارویی‌های میان منافع متضاد عاملان درون یا بیرون از میدان در گذشته و اکنون است، اما همه‌ی منافع درون میدان موقعیت‌ها حمایت‌ها و منابع ترجیحاً رسمی خود را می‌یابند تا از آن‌ها بنابر منطق میدان محافظت کند... میدان نهادهای دولت - و این بنیان اثر بی‌طرفی واقعی و ایدئولوژیکی است که تولید می‌کند تمایل دارد فضایی حتی بزرگ‌تر برای نهادهایی بسازد که محصول فعالیت میان طبقات هستند و تا حدی بر فراز منافع طبقاتی قرار می‌گیرند، یا حداقل به‌نظر می‌رسد که چنین باشد.

میدان نهادهای دولت، بدون این که مأمور امر جهان‌شمولی باشد که هگل از آن ساخت، به سبب فضیلت خود کشمکش‌هایی که محل آن است، می‌تواند سیاست‌هایی را تولید کند که در نسبت با آنچه می‌تواند سیاستی دقیقاً و

مستقیماً سازگار با نفع گروه مسلط تلقی گردد، نسبتاً خودآیین باشد: زیرا مجموعه‌ای از قدرت‌ها و منابع روشن و نهاده‌ی شده را پدید می‌آورد، مانند قدرت افزایش مالیات یا حق وضع کردن مقررات (مثلاً جلوگیری از معاملات یا گردش اعتبار)، یا از این گذشته، قدرت صرفاً اقتصادی تأمین کردن سرمایه‌گذاری، هم به‌طور مستقیم (مثل سوبسیدها) یا غیرمستقیم (مثل ساختن راه و شبکه‌های ریلی) {44}.

این بیان واضحی است از این عقیده که دولت رابطه‌ای اجتماعی است، یعنی، رابطه‌ای فشرده‌شده و مادی وابسته به مسیر که از تعادل در حال تغییر نیروهای معطوف به عمل ظرفیت‌ها یا قدرت‌های (به‌صورت جمع) دولت حاصل می‌شود و توسط شکل خاصی از دولت و ادعایش مبنی بر نمایندگی نفع عام محدود می‌گردد تا کشمکش‌ها را مطابق با قواعد بازی‌ای که در دولت و میدان‌های سیاسی حکمفرماست، هدایت کند. [45] تحلیل‌های بعدی او از گزینش‌ها و سوگیری‌هایی که در نمایندگی سیاسی دخالت دارند و از ساخت افکار عمومی، مثال‌های خوبی از اصول بازی به دست می‌دهد. [46] تحلیل فراسرمایه هم، اگر پرداخت بوردیویی‌اش از آن گرفته شود، شباهت‌های زیادی دارد با کار روی فراحکمرانی و به‌ویژه، آن‌چه اندرو دانسایر [47] آن را در یک واژه‌سازی «Collibration» می‌نامد، یعنی بازبرقرارکردن تعادل توسط دولت میان منابع مختلف، میدان‌ها و داوهای کشمکش سیاسی در مسئله‌ی نفع عمومی. [48] خواندن دیدگاه بوردیو در خصوص تبارشناسی حکومت‌مندی فوکو نیز می‌تواند جالب باشد، که مشابهت‌ها و البته تفاوت‌های زیادی با کار خود بوردیو در این خصوص دارد، به‌ویژه در خصوص مفهوم دلیل وجودی دولت، حکومت‌مندکردن دولت و دولتی‌کردن حکومت‌مندی.

اگر توقعات غیرواقع‌بینانه را کنار بگذاریم، ارزشمند خواهد بود اگر به شش محدودیت کلی تحلیل بوردیو توجه کنیم. اول، اگرچه تحلیل بوردیو بر مبنای تعریف کلاسیک وبر از دولت مدرن بنا می‌شود، به‌طور معنی‌داری با دو مؤلفه‌ی تعیین‌کننده‌ی دیگر دولت بر طبق سنت تئوری دولت عمومی که کار وبر نیز به آن تعلق دارد، درگیر نمی‌شود: قلمرو دولت (State Territory) و جمعیت دولت (State Population). در واقع، بوردیو بدیهی می‌پندارد که دولت، یک دولت ملی سرزمینی است، علاقه‌ی کمی به مقیاس دولت یا با کمال تعجب، همان‌گونه که گئورگ اشتاینمتز [49] اشاره می‌کند، به مستعمره‌ها و امپراتوری‌ها نشان می‌دهد. [50] دوم اینکه، در حالی که او به انگلستان و ژاپن اشاره می‌کند، تحلیلش به‌شدت مٌهر خصیصه‌های خاص دولت فرانسوی را دارد. این آنقدر مشخص است که هم‌میهنانش، برتراند بدی [51] و بی‌یرنباوم [52] گفته‌اند که فقط فرانسه یک دولت واقعی است، بدین معنا که جامعه‌ای ملی با مرکز قدرتی مستحکم که توسط آپاراتوس بوروکراتیکی اداره می‌شود، به‌خوبی مرزگذاری شده و به‌لحاظ نهادی، متمایز شده است. [53] بنابراین، آینده نشان خواهد داد که تا چه اندازه این روایت شامل دولت قدیمی انگلیس می‌شود (که از نظر بدی و بی‌یرنباوم، مرکز دارد ولی دولت ندارد) یا دولت‌های فدرالی مثل آلمان معاصر (یک دولت ولی بدون مرکز)، یا مواردی مثل سوئیس (نه مرکز، نه دولت)، چه رسد به دولت‌های در فرایند شکل‌گیری (مثل اتحادیه‌ی اروپا) یا دولت‌های شکست‌خورده.

سومین محدودیت اینکه بر حسب دسته‌بندی سه‌تایی مفهومی سنتی، واحد سیاسی - سیاست - سیاست‌گذاری [54]، بوردیو بینش‌هایی تاریخی در مورد شکل‌گیری واحد سیاسی بوروکراتیک و این‌که چگونه مسائل سیاست‌گذاری‌های عمومی را می‌سازد و چگونه آن‌ها را به‌صورت مجموعه سیاست‌ویژه‌ی میدان‌های اجتماعی در می‌آورد، به‌دست می‌دهد. با این حال،

آنچه در این تحلیل‌ها مفقود است، پرداختن به سیاست (politics) است، پرداختن به کشمکش میان نیروهای اجتماعی مختلف که حداقل نیازمند این است که در تعریف نفع عمومی مورد توجه قرار بگیرد و در عوض در بسیاری از موارد، نیروهای اجتماعی در اعمال قدرت دولت به‌عنوان رابطه‌ی فشرده‌ی مادی و نمادین نیروهای اجتماعی درحال مبارزه منعکس شده‌اند. این به خاطر آن است که بورديو تحليلش از دولت را محدود به میدان بوروکراتیک می‌کند و آن را از میدان قضایی، میدان پارلمانی، و میدان سیاسی متمایز می‌کند. این امر به‌روشنی مسئله‌ی چگونگی منتهی شدن این‌ها را به یک مفصل‌بندی، اگر بشود و به‌ویژه مسئله‌ی نسبت‌شان با اراده‌ی عام یا خیر عمومی را در ابهام می‌گذارد. این موضوعات می‌توانند در تحلیل‌های گرامشی، پولانزاس یا تحلیل‌های استراتژیک - عقلانی از دولت، محوریت داشته باشند. چهارمین محدودیت از اینجا ناشی می‌شود که در حالی که بورديو از میزان و گستردگی رسوایی و فساد سیاسی آگاه است، از شرایطی سخن به میان نمی‌آورد که در آن دولت به‌طور سیستماتیک، از مطابقت با قانون و اصول اخلاقی خودش تخطی می‌کند. این امر به‌ویژه در نسبت با جنگ بر سر ترور، در نسبت با نظارت امنیتی، و ادعای فراسرزمینی ژرف‌دولت ایالات متحده، به‌جا و مناسب است - البته می‌تواند به تجربه‌ی فرانسوی در الجزایر یا در خانه نیز مرتبط شود. به‌گونه‌ای مرتبط، در پنجمین محدودیت تحلیل بورديو باید گفت که او پیش‌فرض می‌گیرد که دولت بوروکراتیک، دولتی مشروطه و مبتنی بر حاکمیت قانون، یا در این اواخر، دولتی دموکراتیک است - و از شکل‌گیری رژیم‌های استثنایی که سیاست‌های مبتنی بر قانون اساسی و دموکراتیک را به حالت تعلیق درآورده‌اند، چشم‌پوشی می‌کند. و ششمین اما نه آخرین و بی‌اهمیت‌ترین محدودیت این که او به‌عنوان یک جامعه‌شناس بازاندیش، این پرسش را مطرح نمی‌کند که آیا این رویکرد، اروپامحور نیست و این که چگونه می‌توان آن را به بیش‌تر دولت‌های دیگر در جهان دولت تطبیق داد؟ از جهت برخی از این انتقادات، اطمینان دارم که رویکرد بورديویی می‌تواند با منتهای مزیت به کار بسته شود؛ از جهت برخی دیگر از این انتقادات، این رویکرد فاقد مفاهیم و ابزارهای تعیین‌کننده برای انجام چنین پژوهشی است. به این خاطر است که اصل کمک‌گرفتن از دیگر رویکردها که به یاری بورديو بیایند - که البته به‌نظر نمی‌رسد که در این متن قابل به‌کار بسته باشد - برای کار آکادمیک و سیاست‌گذاری‌های عملی، بی‌اندازه مهم باقی می‌ماند.

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Jessop, Bob (2015): 'The Central Bank of Symbolic Capital: Bourdieu's *On the State*' in: *Radical Philosophy*, issue 193 (Sept-Oct), 33-41.

پانوشته‌ها:

*Pierre Bourdieu, *On the State. Lectures at the Collège de France, 1989-1992*, eds. Patrick Champagne, Remi Lenoir, Franck Poupeau, Marie-Christine Rivière, trans. David Fernbach, Polity, Cambridge, 2014. Xii + 449pp. ISBN: 978 0 04566 329 6. First published in French in 2012. Subsequent references given as page numbers in the parentheses.

¹ - See Collège de France, 'Quelques données sur son histoire et son caractère propre' (2010). Available at <http://annuaire-cdf.revues.org/126>, 5-21. Collège de France, 'A unique institution' (2015). Available at <http://www.college-de-france.fr/site/en-institution/index.htm> John Delaunay, 'The Collège de France', in *The Catholic Encyclopedia*, Robert Appleton Company, New York, 1908. Available at <http://www.newadvent.org/cathen/04113a.htm>

² - On the distinctions between *erudite*, *mondain*, and *universitaire* chairholders at the Collège de France, see Terry N. Clark, *Prophets and Patrons: The French University and the Emergence of Social Sciences*, Harvard University Press, Cambridge, 1973, pp 52-54.

³ - See Michel Foucault, *Security, Territory, Population: Lectures at the Collège de France, 1977-1978*, trans. Graham Burchell, Palgrave, Basingstoke, 2007; *The Birth of Biopolitics: Lectures at the Collège de France, 1978-1979*, trans. Graham Burchell, Palgrave, Basingstoke, 2008.

⁴ - On this distinction, see Karl Marx, Afterword to the second German edition (1873), in *Capital, Volume I*, trans. Samuel Moore and Edward Aveling, Lawrence & Wishart, London, 1967, p. 14; and '1857 Introduction', in *Grundrisse: Outlines of the Critique of Political Economy*, trans. Martin Nicolaus, Penguin, Harmondsworth, 1993, 81-111.

⁵ - Constitution

⁶ - juridical field

⁷ - Pierre Bourdieu, 'Annual Course Report' (1988). Available at http://www.college-de-france.fr/media/pierre-bourdieu/UPL8528294815781443074_AN_88_bourdieu.pdf

⁸ - Pierre Bourdieu, 'Annual Course Report' (1989). Available at http://www.college-de-france.fr/media/pierre-bourdieu/UPL167139494397622522_AN_89_bourdieu.pdf

⁹ - Reflexive

¹⁰ - For an overview of Bourdieu's work on the state, see Rémi Lenoir, 'Bourdieu et l'état', *Savoir/Agir* 19 (2012), 117-26; for a comprehensive bibliography of his work on the state, see Gilbert Quélenec, 'Publications de Pierre Bourdieu sur l'état' (2012). Available at http://pierrebourdieuunhommage.blogspot.co.uk/2012/12/publications-de-pierre-bourdieu_15.html

¹¹ - Pierre Bourdieu, 'From the King's house to the reason of state: A model of the genesis of the bureaucratic field', *Constellations* 11.1 (2004), 16-36 at p. 34. Also in Loïc Wacquant, *Pierre Bourdieu and Democratic Politics*, Polity,

Cambridge, 29-54. This text also includes Bourdieu's 'The mystery of ministry: from particular wills to the general will [2001], trans. Richard Nice and Loïc Wacquant, 55-63.

¹² - grands ecoles

¹³ - Pierre Bourdieu, *Homo Academicus*, trans. Peter Collier, Polity, Cambridge, 1988; *The State Nobility: Elite Schools in the Field of Power*, trans. Laretta C. Clough, Polity, Cambridge, 1996.

¹⁴ - جغد مینروا که در یونان باستان نشان خرد بود، در فلسفه‌ی حق هگل به فیلسوف تشبیه شد؛ به این سبب که همان‌گونه که جغد با پایان یافتن روز پرواز خود را می‌آغازد، فلسفه نیز شروع فهم هر دوره‌ی تاریخ را، در پایان آن دوره آغاز می‌کند. در این متن نیز، مولف معتقد است که بوردیو درست زمانی به بحث درباره‌ی دولت پرداخت که نیروهای نئولیبرال، حمله به آن را شروع کرده بودند و می‌رفتند که آغازِ پایان دولت را رقم بزنند. (مترجم)

¹⁵ - res publica

¹⁶ - public good

¹⁷ - public goods

¹⁸ - *raison d'état*

¹⁹ - See also Bourdieu, 'From the King's house to the reason of state', 16-36.

²⁰ - See Bourdieu, 'The mystery of ministry'.

²¹ - Philip Abrams

²² - Philip Abrams, 'Notes on the difficulties of studying the state', *Journal of Historical Sociology* 1.1 (1988), 59-89.

²³ - V.I. Lenin, *The State and Revolution* [1917], in *Collected Works*, volume 35, Progress Publishers, Moscow, 1972, 381-492.

²⁴ - Abrams, 'Notes on the difficulties of studying the state', 82 and passim.

²⁵ - public office

²⁶ - Antonio Gramsci, *Selections from the Prison Notebooks*, trans. Quintin Hoare and Geoffrey Nowell Smith, Lawrence & Wishart, London, 1971: 273.

²⁷ - dispositif

²⁸ - deus absconditus

²⁹ - Bourdieu, 'The mystery of ministry' (endnote 9), is an insightful discussion of this problem in terms of the disempowerment of mechanical aggregation in secret ballots, the challenges of sustaining participation and dialogue in a Durkheimian guild socialism, and the disenfranchisement produced through delegation to a 'representative' individual or body that makes decisions on behalf of voters. On mystery and ministry in the present text, see also (34), on organized fiduciaries (36-37), on prosopopoeia (45-48), on Commissions (61-2), and the role of the bureaucratic state as the monopolist of meta-capital, able to stipulate the right balance among different types of capital in the national or public interest (366-70).

³⁰ - performativity

³¹ - stylized

³² - Abrams, 'Notes on the difficulties of studying the state': 82.

³³ - One could compare here, as Bourdieu does not, the genealogical approach of Foucault, which also aims to denaturalize the taken-for-granted by exploring its origins.

³⁴ - governmentality

³⁵ - Foucault, *Security, Territory, Population*, 144-45.

³⁶ - Ibid., p. 315; cf. ibid. 324-5, 376-8.

³⁷ - Mary Pickering, *Auguste Comte: An Intellectual Biography, Volume 1*, Cambridge University Press, Cambridge, 1993, 485-6.

³⁸ - For many other examples, see Jeannine Verdés-Leroux, *Deconstructing Pierre Bourdieu: Against Sociological Terrorism from the Left*, Algora, New York, 2001.

³⁹ - Philip Corrigan

⁴⁰ - Derek Sayer

⁴¹ - Helmut Willke

⁴² - Helmut Willke, *Supervision des Staates*, Suhrkamp, Frankfurt, 1997; cf. Bourdieu on the state's metaperspectival ability to take a viewpoint on viewpoints (28).

⁴³ - See Bob Jessop, *State Power: A Strategic-Relational Approach*, Polity, Cambridge, 2007.

⁴⁴ - Pierre Bourdieu, 'Le sociologue devant l'État' (1982), Lecture at the Association des Sociologues de Langue Française, 27 September-1 October. Reprinted in part, but excluding the passages cited here, in L'Humanité, 23 January 2012. <http://www.humanite.fr/culture/le-sociologue-devant-l-etat-488311>. The passages cited are in the editors' 'Position of the lectures on the state in Pierre Bourdieu's work' (380-1).

⁴⁵ - Cf. Nicos Poulantzas, *Political Power and Social Classes*, New Left Books, London, 1973; and *State, Power, Socialism*, trans. Patrick Camiller, Verso, London, 1978; Jessop, *State Power*.

⁴⁶ - Bourdieu, 'Mystery and ministry', passim; 'Political representation: *elements for a theory of the political field*' [1980], in Pierre Bourdieu, ed., *Language and Symbolic Power*, trans. Gino Raymond and Matthew Adamson, Polity, Cambridge, 220-8. Note that the political field is different from the bureaucratic field, the juridical field, and the parliamentary field.

⁴⁷ - Andrew Dunsire

⁴⁸ - Andrew Dunsire, 'Holistic governance', *Public Policy and Administration* 5.4 (1990), 4-19.

⁴⁹ - George Steinmetz

⁵⁰ - George Steinmetz, 'On Bourdieu, *Sur l'État*: field theory and the state, colonies, and empires', *Sociologica* 3.1 (2014), 1-13.

⁵¹ - Bertrand Badie

⁵² - Pierre Birnbaum

⁵³ - Bertrand Badie and Pierre Birnbaum, *Sociology of the State*, trans. Arthur Goldhammer, University of Chicago Press, Chicago, 1983; Pierre Bourdieu, Rethinking the state: genesis and structure of the bureaucratic field, *Sociological Theory*, 1994, 12 (1), 1-18.

⁵⁴ - polity-politics-policy